

موفقیت؛ نگرشی جمعی

از همان آغاز گفت و گویمان، کنجکاو بودم بفهمم چطور یک بانو توانسته کارگاهی راه اندازی کند، چندین نفر خانم و آقا را به همکاری با خود جذب کند و بخشی از چرخه تولید کشور را به دست گیرد. ملیحه مدبری قصه ای متفاوت دارد. رمز موفقیت او در همدلی، تعامل و حمایت بی دریغ خانواده و به خصوص همسرش از اوست؛ خانواده ای که در تمام فراز و نشیب ها همیشه پشت هم ایستاده اند تا از او یک کارآفرین بسازند. در این میان، همراهی همسرش جواد حسین پور حجار توان او را دوچندان می کند.

به خاطر علاقه به همسر

ملیحه مدبری و جواد حسین پور با افتخار درباره کارگاهشان صحبت می کنند و ملیحه خانم از این می گوید که چطور عشق و علاقه به همسرش، باعث شد وارد حوزه پوشاک شود. «من در رشته ادبیات فارسی تحصیل می کردم و تا قبل از ازدواج هیچ زمینه کاری در حوزه پوشاک نداشتم. فقط به کلاس های دانشگاه، زبان و ورزش می رفتم. اما بعد از ازدواج وارد حوزه پوشاک شدم چون شغل همسر در این حوزه بود و خیلی به این کار علاقه داشتم. من هم به دلیل علاقه ام به او، وارد این کار شدم و حتی برای مقطع ارشد، مدیریت بازرگانی خواندم. او ایل ورودم به کار پوشاک فقط نگاه می کردم و هیچ چیزی درباره خیاطی نمی دانستم.» آقا جواد، مردی با تجربه و مشتاق به کار پوشاک، ملیحه را به دنیای جدیدی معرفی می کند که در آن، عشق و کار در هم آمیخته اند. این دو، با هم تصمیم می گیرند تا در خط تولید پوشاک پیش روند. او با اشتیاق توضیح می دهد که همه چیز از سال ۱۳۸۲ شروع شد؛ سالی که همسرش به طور جدی وارد حوزه پوشاک شد. (سال ۸۲ با همراهی همسرم جدی تر بحث تولید را دنبال کردیم. ما جزو مشاغل خانگی نبودیم، اما با چهار چرخ خیاطی ساده، خیاطی پدری را به کارگاهی در خیابان چهار طبقه مشهد تبدیل کردیم با این روای که شلوار و پیراهن مورد نیاز مردم را در کارگاه خود تولید کنیم. چند سال بعد با تولد دخترمان هانیه، تعداد چرخ های خیاطی مان هم زیاد شد.»

اولویت با کارکنان است

سال ۱۳۸۲، جواد حسین پور مصمم بود که مطابق با استانداردهای جهانی برای بازار داخلی تولید کند. سرمایه اولیه او خوش نامی شان بود و یک خودرو و پراید و طلاهای همسرش که برای سرمایه گذاری گذاشته بودند. در کسب و کار این زوج، موضوعی به نام عامل فردی وجود ندارد؛ نوع و تیپ کاری آن ها در تصمیم گیری ها و پیگیری امور به صورت خرد جمعی است و سعی دارند با هم هماهنگ باشند. همین عامل به آن ها کمک کرده تا شرایط سخت کرونا و تحریم را پشت سر بگذارند. ملیحه خانم می داند که در شرایط سخت باید تصمیم های مهمی در لحظه گرفته شود، چون سرنوشت خیلی وابستگی به تصمیم آن ها دارد. «ما سعی کردیم با نگاه تحلیلی به بازار و جزئیات، آسیب ها و هزینه ها را به حداقل برسانیم. مثلاً در مقطعی خانه مان تا شش ماه پرده نداشت، چون نمی توانستیم از هزینه های کسب و کار کم کنیم و تأمین حقوق کارکنان برایمان در اولویت بود. بنابراین تحمل کردیم تا شرایط بهتر شد. یا مثلاً خرید گواشی را به تأخیر انداختیم چون خرید چرخ خیاطی برایمان اهمیت بیشتری داشت.»

دنبال شکست دادن هم نیستیم

آقا جواد، با درک عمیق از اهمیت تعادل بین کار و زندگی، تلاش کرده است این دورا به گونه ای مدیریت کند که نه تنها بر کیفیت کارشان تأثیر نگذارد، بلکه زندگی خانوادگی شان را نیز تحت تأثیر قرار ندهد. «تعامل ما با هم زیاد است و دنبال تقابل با هم نیستیم. بدون شک مثل هر زن و شوهری در زمینه های مختلف با هم اختلاف نظر داریم ولی دنبال کش دادن و شکست دادن هم نیستیم. کسب و کار برای ما عین زندگی ست و اگر تعامل نباشد شکست می خوریم. ما نگران این نیستیم که اگر روزی به مشکلی برخورد کنیم، حقی از ما ضایع شود، چون به دنبال منفعت شخصی نبوده ایم. منفعت مادر این است که بتوانیم سال های سال به خوبی با یکدیگر زندگی کنیم. ما هرگز یکدیگر را به چشم حریف نمی بینیم که بخوایم شکستش دهیم. هدف ما زندگی مشترکمان و سامان دادن به کار و پیشرفت خودمان و بچه هاست.»

خط قرمزها را نگه می داریم

ملیحه خانم در این مسیرگاهی از استراحتش می زند و به مهمانی ها نمی رود تا بتواند زمانش را بین بچه ها و کار در کارگاه تقسیم کند، اما هرگز ناامید نیست. «کم آوردم، ولی ناامید نشدم و همیشه همسر

حامی ام بود. حتی مواقعی که خسته بودم، می آمد خانه، بچه ها را که گریه می کردند سوار ماشین می کرد و دور می داد تا بخوابند و من بتوانم استراحت کنم. برای موفقیت در زندگی ام حاضر بودم از همه چیز بگذرم. زندگی قربانی کار نشود و کار هم فدای زندگی نشود. مادر باره مشکلات با هم صحبت می کنیم و بیشتر جواد آقا پس از بروز مشکل پیش قدم می شود. سعی می کنیم مشکلات را کش ندهیم و از هم کینه به دل نگیریم. با وجودی که گاهی از هم عصبانی می شویم، خط قرمزها را نگه می داریم و سکوت می کنیم تا در زمان مناسب با گفت و گو مشکل را حل کنیم.» از صحبت های آقا جواد می فهمیم که در کسب و کار این زوج، موضوعی به نام عامل فردی وجود ندارد و همه چیز مشترک است: «در زندگی ما، من و تو" جایی ندارد. حتی پروانه کسب به اسم خانم است و هر دو دسته چک داریم و در همه کارها با هم مشارکت داریم.»

کشاندن کسب و کار به فضای خانه

امنیت روحی و روانی که ملیحه خانم برای خانواده ایجاد کرده، کمک بزرگی به آقا جواد بوده است. «اول از همه، داستان درس خواندن من بود. من دیپلم داشتم، اما با کمک همسرم توانستم تا استادی دانشگاه پیش بروم. درک زنانه او از کار من خیلی به پیشرفت ما کمک کرده است. او نه تنها شریک زندگی ام، بلکه شریک تجاری ام نیز هست. این ترکیب شاید به نظر بعضی ها نمایشی باشد، اما برای ما واقعی است. ما دائم کارمان را رصد می کنیم و درگیر کار هستیم. حتی روز جمعه هم مثل روزهای دیگر از خواب بیدار می شویم و کارمان را شروع می کنیم. بیشتر سفرهای ما مشکل کاری دارد و تمام کارها و فعالیت هایمان در سفر در حوزه کسب و کارمان است. زمان هایی بوده که همسرم حتی با سر به محل کار آمده یا با خوردن قرص فشار به سر کار رفته است.» ملیحه خانم معتقد است که تفاوت های شخصیتی بین مرد و زن در بهبود و پیشرفت کارشان تأثیرگذار است. «این تنها موضوع اختلافی بین من و همسرم در کسب و کار است. جالب است بدانید که مادر خانه هیچ ناهماهنگی و اختلافی نداریم. ایشان دوست دارند کلیت کار را ببینند تا همه چیز یکدست باشد، ولی من جزئی تر نگاه می کنم و نقش هر یک از کارکنان را در کار با اهمیت می دانم چون جزئیات کار و افرادی که در کار حضور دارند برای من مهم است. مثلاً من دقت کردم که اگر برای شلوارهای زنانه آستردوزی شود، چروک نمی شود یا زمانی که برای خرید کارگاه اینجارا پسندیدم، همسرم تا بیست روز نیامد چون اینجارا دوست نداشت، اما اکنون بسیار از این کار راضی است.»

آن ها با برنامه ریزی دقیق و زمان بندی مناسب، سعی می کنند که هم به کار خود برسند و هم از لحظات ارزشمند خانوادگی لذت ببرند. در واقع، این دو نفر به خوبی می دانند که موفقیت در کار، نیازمند هماهنگی و همدلی است. «مادر باره هدفمان از کار و پیشرفت تفاهم داریم به همین دلیل با مشکل روبه رو نمی شویم. کار و زندگی ما در هم آمیخته شده است. حتی گفت و گوها و ساعت مشترکی که با هم می گذرانیم و کتاب هایی که با هم می خوانیم. مثلاً امروز داشتیم با هم کتابی می خواندیم درباره یک برند ما تودر مشهد.»

به خانمها بیشتر اطمینان داریم

برابری در پرداخت حقوق کارگران و ایجاد فرصت اشتغال برای سرپرست های خانواده و معتادان بهبود یافته، از جمله اقدامات حمایتی ملیحه خانم در کارگاه است: «اینجا حقوق خانمها و آقایان یکسان است. ما به خانمها در کار بیشتر از آقایان اطمینان داریم، زیرا آن ها با ظرافت و تعهد بیشتری کار می کنند. مدیران ارشد هم مشارکت دارند که آن ها هم شامل سه خانم و سه آقا هستند به عبارتی حضور خانم و آقا با هم برابر است.»

به حاشیه ها اهمیت نمی دهیم

آقا جواد معتقد است دوری از حاشیه ها و اهمیت ندادن به حرف مردم، ابزاری مؤثر برای رسیدن و حفظ موفقیت است. «زندگی ما یک عشق مشترک است و نه تقسیم غنایم. به من می گویند چرا زن ذلیلی و به خانم می گویند چرا به شوهرت اعتماد داری؟ ما به این حاشیه ها اهمیت نمی دهیم. حرف مردم روی ما تأثیری ندارد. حتی پیشنهاد دادند که دو براند جدا بزنیم و جدا کار کنیم. در جلسه ای من را به نام شوهر مدبری صدا زدند. این حاشیه ها همیشه هست اما اجازه ندادیم که پررنگ بشوند. در واقع زندگی ما خیلی مهم تر از حرف دیگران است و درگیر حاشیه هانمی شویم. حتی تفاهم مادر باره مسائل مختلف بعد از ازدواج باعث شد که متوجه شویم برای این کار باید دانش بیشتری داشته باشیم. بنابراین، تحصیلاتمان را در رشته بازرگانی و کسب و کار ادامه دادیم. دخترمان هم همین رشته را انتخاب کرده است.»